



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ اعظم انصاری در بحث اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام بعد از ذکر آیاتی از قرآن کریم که عرض کردیم به سراغ روایات می رود و از روایات برای اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام أدله ای را اقامه می کند.

کلام شیخ انصاری در ذکر اولین روایت این است: ﴿وقال النبي صلى الله عليه وآله - كما في رواية أيوب بن عطية - : " أنا أولى بكل مؤمن من نفسه" ﴾.

خبری که شیخ اعظم انصاری ذکر کردند در وسائل الشیعه، جلد ۱۷، صفحه ۵۵۱ ابواب ولاء ضمان الجريرة، باب ۳، خبر ۱۴ ذکر شده است، ضمان جریره که مشروعیت دارد مثل همان بیمه است که دونفر باهم قرار می گذرانند در صورت ارتکاب جنایت خطائی دیگری آن را جبران کند که همین در صورت نبودن وراثت بعد از مرگ باعث تورث نیز می شود، خبر این است: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن أيوب بن عطية الحذاء قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: أنا أولى بكل مؤمن من نفسه ومن ترك مالا فللوارث، ومن ترك ديناً أو ضياعاً فإلى وعلى﴾.

سند حدیث: شیخ صدوق از طبقه ۱۰ و نضر بن سويد از طبقه ۶ و ثقه است و شیخ صدوق این خبر را از کتاب نضر گرفته است و اسناد شیخ صدوق به کتاب نضر صحیح است و طریق شیخ به کتاب نضر هم در آخر من لایحضره الفقیه و هم در آخر جلد ۲ کتاب جامع الروات اردبیلی صفحه ۵۴۱ ذکر شده است، یحیی بن عمران حلبی ثقة ثقة و از طبقه ۵ است و ایوب بن عطیه نیز ثقه است بنابراین حدیث سنداً صحیح می باشد.

"کان يقول" درجائی است که مطلبی مکرر گفته شده باشد فلذا با "قال" فرق دارد.

خبر دومی که شیخ اعظم ذکر کرده این است: ﴿وقال في يوم غدیر خم: " أأست أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلى. قال: من كنت مولاه فهذا علي مولاه" ﴾.

شکی نیست که در اینجا مراد از اولویت "ولی" به معنای محب و ناصر نیست بلکه به معنای ولایت در تصرف است یعنی "ولی" کسی است که تدبیراً قدرت و اجازه ی تصرف دارد به قرائن مختلف من جمله اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از ذکر این مطلب سه روز در آنجا توقف کردند و فرمودند همه جمعیت بیایند با علی علیه السلام بیعت کنند و ابوبکر و عمر نیز در صف اول آمدند و با حضرت امیر علیه السلام بیعت کردند و عمر به حضرت گفت: **بخ لك بخ لك أصبح مولای و مولی كل مؤمن و مؤمنة.**

شیخ اعظم انصاری بعد از ذکر دو خبری که خواندیم در ادامه می فرماید: «والأخبار في افتراض طاعتهم وكون معصيتهم كمعصية الله كثيرة، يكفي في ذلك منها مقبولة عمر بن حنظلة».

حدیث عمر بن حنظله خبر اول از باب ۱۱ از ابواب صفات قاضی می باشد که در صفحه ۹۸ از جلد ۱۱ وسائل الشیعه ۲۰ جلدی ذکر شده است، خبر این است: ﴿محمد بن يعقوب، عن محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن محمد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن داود بن الحصين، عن عمر بن حنظلة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجلين من أصحابنا بينهما منازعة في دين أو ميراث فتحاكما إلى السلطان وإلى القضاة أحل ذلك؟ قال: من تحاكم إليهم في حق أو باطل فإنما تحاكم إلى الطاغوت، وما يحكم له فإنما يأخذ سحتاً وإن كان حقاً ثابتاً له، لأنه أخذ به حكم الطاغوت وما أمر الله أن يكفر به، قال الله تعالى: «يريدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به» قلت: فكيف يصنعان؟ قال: ينظران من كان منكم ممن قد روى حديثنا ونظر في حلالنا وحرامنا وعرف أحكامنا فليرضوا به حكماً فإنني قد جعلته عليكم حاكماً، فإذا حكم بحكمنا فلم يقبل منه فإنما استخف بحكم الله وعليه رد، والراد علينا الراد على الله، وهو على حد الشرك بالله الحديث﴾.

خبر مقبوله ی عمر بن حنظله متناً و سنداً خیلی مهم است و در بحثهای بعدی در باب اثبات ولایت فقیه از آن استفاده خواهیم کرد إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين